

بررسی نقش دادگاه‌ها در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل غیر قضایی اختلاف؛ مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی کامن‌لا، رومی-ژرمنی و ایران

علی حدادزاده شکیبیا *

مهدی حسن‌زاده **

DOI: 10.22096/LAW.2022.138011.1783

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲]

چکیده

امروزه، به دلیل محدودیت محاکم دادگستری در رسیدگی قضایی به حجم گسترده دعاوی که گاه موجب طولانی شدن بیش از حد رسیدگی به یک پرونده می‌گردد، لزوم توجه به شیوه‌های حل و فصل غیر قضایی اختلاف ضرورتی انکارناپذیر است. برای نیل به این هدف، تعیین جایگاه محاکم در ترغیب متداعیین به حل و فصل دعوا از طرق غیر قضایی که از مزایای بسیار، همچون تسریع در ختم نزاع و کاهش حجم پرونده‌های ارجاعی به محاکم برخوردار است، دارای ضرورت دوچندان می‌گردد. این نوشتار با هدف بررسی محدوده نقش دادگاه‌های ایران در ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه دعوا، در تطبیق با دیگر نظام‌های حقوقی، همچون کامن‌لا و رومی-ژرمنی نگارش شده است. دستاورد نوشتار بدین صورت است که نظام حقوقی ایران، با توجه به قانون‌های آیین دادرسی کیفری و حمایت خانواده، در میان سکوت قانون آیین دادرسی مدنی، هم‌راستا با دیگر نظام‌های حقوقی، به نقش قضات دادگستری در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل غیر قضایی دعوا توجهی ویژه کرده است، لیکن به دلیل نقص قانون آیین دادرسی مدنی در این رابطه، عملاً شاهد نقش‌آفرینی چشمگیر قضات ایرانی در این زمینه نیستیم که نیاز است این مسئله از سوی قانون‌گذار ایرانی اصلاح شود.

واژگان کلیدی: رسیدگی غیر قضایی به دعوا؛ نقش محکمه در رسیدگی غیر قضایی؛ رسیدگی دوستانه به دعوا؛ نقش محکمه در رسیدگی دوستانه؛ نقش محکمه در ترغیب به رسیدگی دوستانه.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) Email: haddadzadeh_ali@yahoo.com

** دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم، قم، ایران. Email: m.hasanzadeh@qom.ac.ir



مقدمه

از معضلات کنونی دادگاه‌ها، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، مسئله تراکم پرونده‌های حقوقی، به دلیل ارجاع بسیاری از افراد جامعه، برای حل و فصل به محاکم رسمی دادگستری است. این کثرت، به‌نوبه خود گهگاه موجب بروز مشکلات فراوانی در دادرسی عادلانه، به‌وسیله نظام قضایی یک کشور می‌گردد که در صورت عدم مدیریت آن، می‌تواند موجب بی‌اعتباری نظام قضایی آن کشور در افکار عمومی گردد. به همین ضرورت، در گذر تاریخ، راه‌حل‌های فراوانی برای حل این مشکل از سوی تئوریسین‌های حقوقی پیشنهاد شده است. یکی از این تئوری‌ها، حل و فصل مخاصمات از طریق رسیدگی‌های غیر قضایی دوستانه^۱ همچون مذاکره^۲، میانجی‌گری^۳، سازش^۴ و تشریک مساعی^۵ است که اصولاً به برقراری صلح میان طرفین انجامیده، می‌تواند جایگزینی مناسب برای رسیدگی‌های قضایی رسمی، با تشریفات طولانی باشند.^۶

حل و فصل دعوا از طریق این شیوه‌ها، با توجه به مزایایی که دارند، اصولاً مورد توجه بسیاری از نظام‌های قضایی قرار گرفته است؛ به‌نحوی که قوانین کشورها با تعیین نقش قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل اختلاف از طریق شیوه‌های یادشده و اهتمامی که به ضرورت‌های نهفته در آن نشان داده‌اند، سبب شده است که نوشتار پیش‌رو با هدف بررسی میزان اهتمام نظام حقوقی ایران در حل و فصل مخاصمات از طریق این شیوه‌های غیر قضایی و نقشی که قانون‌گذار ایرانی برای قضات خود در زمینه ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه دعوا در نظر گرفته است، در تطبیق با دیگر نظام‌های حقوقی، همچون کامن‌لا، رومی - ژرمنی و احکام فقه امامیه مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا، پس از معرفی اجمالی شیوه‌های حل اختلاف از طرق غیر قضایی، در گام دوم به بررسی تطبیقی قوانین مختلف دنیا در نقشی که برای محاکم متبوع خود در ترغیب طرفین دعوا برای حل دوستانه اختلافات قائل شده‌اند، پرداخته خواهد شد. پس از آن نیز به بیان اصول حاکم بر نشست‌های دوستانه حل و فصل اختلاف و ترسیم جلسات دوستانه مدل، در راستای پیشنهاد به قانون‌گذار ایرانی و مؤسساتی که متمایل به فعالیت در این زمینه هستند، اکثفا خواهد شد.

1. la resolution amiable.

2. la negociation.

3. la mediation.

4. la conciliation.

5. la method conventionelle.

6. Stuart Sime, *A Practical Approach to Civil Procedure*, Twenth Edition (Oxford university, 2016), 397.

۱. شیوه‌های رسیدگی غیر قضایی

در ذیل این قسمت، به معرفی اجمالی راه‌حل‌های جایگزین رسیدگی قضایی رسمی^۷ که به نحو دوستانه‌ای به صلح میان طرفین می‌انجامد، خواهیم پرداخت.

۱-۱. مذاکره

گفتگوهایی را که میان طرفین دعوا برای رفع اختلاف دوستانه موضوع مورد مناقشه میان خود، خارج از دخالت محاکم دادگستری و هر شخص ثالثی صورت می‌گیرد، مذاکره گفته‌اند.^۸ این روش از کم‌هزینه‌ترین و البته غیررسمی‌ترین طرق حل‌وفصل دوستانه اختلافات است؛ به گونه‌ای که متخاصمین به جای طرح مسئله در مراجع رسمی حل‌وفصل اختلاف، اقدام به خاتمه دعوا از این طریق می‌نمایند. از مهم‌ترین مزایای به‌کارگیری این شیوه، در امان ماندن اطلاعات محرمانه متخاصمین است؛ به گونه‌ای که امکان درز اطلاعات را به خارج از جلسه به حداقل میزان ممکن می‌رساند.^۹

۱-۲. کارشناسی

در برخی موارد، طرفین دعوا بیش از اینکه به حل‌وفصل دعوا از طرق رسمی تمایل داشته باشند، خواهان حل‌وفصل آن از طریق کارشناسی هستند. کارشناسی، عمدتاً جنبه فنی و حرفه‌ای دارد و به‌کارگیری آن، مستلزم اظهار نظر حقوقی و قضایی نیست. گفتنی است که حل‌وفصل اختلاف از این طریق منوط به تراضی متخاصمین است و فی‌نفسه لازم‌الاجرا نیست. افزون بر این، شیوه حل‌وفصل دوستانه دعوا از طریق کارشناسی، مربوط به بررسی موضوعی یک مسئله و نه بررسی حکمی آن است و چه بسا با روشن شدن ابهامات موضوعی برای طرفین دعوا، مبنی بر توجه تقصیر به یکی از ایشان، دیگری حق را به طرف مقابل داده، از طرح دعوا در محاکم رسمی خودداری نماید.^{۱۰}

۱-۳. رسیدگی اختصاری

از دیگر شیوه‌های جایگزین حل‌وفصل اختلاف، رسیدگی اختصاری یا دادرسی کوچک^{۱۱} است. در این شیوه، طرفین دعوا و یا نمایندگان تام‌الاختیار ایشان، اقدام به برگزاری یک جلسه خصوصی دادرسی با حضور شخص ثالث بی‌طرف عالم به مسائل حقوقی می‌نمایند. در این نشست، طرفین دعوا و یا نمایندگان‌شان، با

7. la resolution alternatif de reglement des conflits.

8. Peter Yahnstan, Negotiating with Giants, First print, (United States: Penguin Books, 2008), 4.

۹. عبدالحسین شیروی، داوری تجاری بین‌المللی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸)، ۵۸.

۱۰. یوسف درویشی هویدا، شیوه‌های جایگزین حل‌وفصل اختلاف (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳)، ۱۳۹.

11. Mini Trial.

طرح ادعاهای خود نزد شخص ثالث بی طرفی که عالم به مسائل حقوقی است، می‌کوشند اختلافات خود را به صورت دوستانه برطرف نمایند. در این روش، نهایتاً، شخص ثالث بی طرف، متخاصمین را از صدور حکم به نفع یا ضرر یکی از ایشان، در صورت طرح دعوا به صورت رسمی در محکمه آگاه می‌نماید.^{۱۳}

۴-۱. میانجی‌گری

در این شیوه رفع اختلاف دوستانه، متداعیین با حضور یک شخص ثالث بی طرف، درباره حل اختلاف دوستانه میان خود، با یکدیگر به مذاکره می‌پردازند. البته در این شیوه، شخص ثالث این امکان را دارد که به طور مستقیم با دادن پیشنهاد به ایشان، در مذاکرات مداخله نماید؛ هرچند که طرفین دعوا الزامی در پذیرش پیشنهادهای اصلاحی او ندارند.^{۱۳} نکته مهم در این شیوه حل و فصل دوستانه اختلاف، عدم امکان مداخله به فرد میانجی‌گر در حل و فصل اختلاف است و وی تنها مجاز است در راستای طرح پیشنهاد برای حل و فصل دوستانه اختلاف بکوشد.^{۱۴}

۵-۱. تشریک مساعی

در این شیوه حل و فصل دوستانه اختلاف، هر یک از طرفین دعوا با چشم‌پوشی از بعضی حقوق خود، در قبال اینکه طرف روبرو نیز ذمه او را از برخی تکالیف بری کند، با یکدیگر خارج از هرگونه رسیدگی رسمی قضایی، مذاکره و صلح می‌کنند.^{۱۵}

۶-۱. سازش

سازش نیز از دیگر راه‌حل‌های دوستانه حل مخاصمه است. در این روش، طرفین دعوا از طریق شخصی ثالث که مصلح نامیده می‌شود، سعی به حل و فصل موضوع دعوا می‌کنند. برخلاف میانجی‌گری که در آن شخص ثالث با ارائه پیشنهاد به طرفین، مستقیماً حق دخالت در دعوی طرفین را دارد، در سازش، مصلح صرفاً به عنوان ناظر بر گفتگوهای سازش، در جلسات اصلاحی شرکت می‌کند تا در صورت وجود اشتباه یکی از طرفین مخاصمه راجع به داشتن حقی که حقیقتاً متعلق به او نیست، او را آگاه سازد تا در نتیجه این آگاهی، دعوا به صورت دوستانه و خارج از رسیدگی رسمی خاتمه یابد.^{۱۶ و ۱۷}

۱۲. درویشی، شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، ۱۳۲.

13. J Noaks & L. Noaks, *School Based Peer Mediation as a Strategy for Social Inclusion*, Second print, (France: Pastoral Care in Education, 2009), 27.

۱۴. شیروی، داوری تجاری بین‌المللی، ۶۷.

15. Nester C, Kohut, *Therapeutic Family Law*, Second Edition (Chicago: Family Law Publicatin, 1968), 25.

16. Albert, Fiadjoe, Albert, *Alternative Dispute Resolution*, first published (London: Cavendish publishing, 2004), 23.

۱۷. شیروی، داوری تجاری بین‌المللی، ۶۷.

۲. وظیفه دادگاه در ترغیب متداعیین به حل و فصل غیر قضایی اختلاف

ذیل این مبحث به بررسی قوانین موجود نظام‌های حقوقی در ترسیم نقش قضات به ترغیب متداعیین در حل و فصل دوستانه اختلاف پرداخته خواهد شد.

۲-۱. نظام حقوقی کامن‌لا

((در نظام حقوقی کامن‌لا، برای جلوگیری از تراکم پرونده‌های حقوقی در محاکم، یک سری شیوه‌های حل اختلاف غیر قضایی پیش‌بینی شده است که نهایتاً می‌توانند به تحقق صلح میان طرفین منجر گردند. این راه‌حل‌ها ذیل سه عنوان ۱. مذاکره؛^{۱۸} ۲. میانجی‌گری؛^{۱۹} ۳. تشریک مساعی^{۲۰} مطرح شده‌اند))^{۲۱} ((در این نظام حقوقی، راه‌حلی دیگر نیز برای حل و فصل مسالمت‌آمیز دعوا تحت عنوان سازش^{۲۲} مورد پیش‌بینی قرار گرفته است))؛^{۲۳} هرچند که طرح بحث آن در این نظام حقوقی به دلیل مشابهت‌هایی که با میانجی‌گری دارد، ذیل این مبحث قرار گرفته است و لزومی به آورده شدن جداگانه آن در این نظام حقوقی نیست.

حل و فصل دوستانه دعوا از طریق مذاکره، از نظرگاه این نظام حقوقی، صرفاً رابطه‌ای خصوصی میان طرفین دعواست که قاضی به‌عنوان نماینده قوای عمومی، حق دخالت در آن را ندارد؛ هرچند او می‌تواند پیش از ورود به ماهیت دعوا، به طرفین پیشنهاد دهد که در صورت تمایل، امکان حل و فصل غیر قضایی دعوا از طریق مذاکره وجود دارد. البته قاضی هیچ حقی در اجبار ایشان به حل و فصل غیر قضایی دعوا از این طریق ندارد.^{۲۴}

همان‌گونه که گفته شد، در نظام حقوقی کامن‌لا، راه‌حل دوستانه سازش یکی از مصداق‌های میانجی‌گری است. به‌هرحال، اصولاً در نظام حقوقی کامن‌لا، قاضی از سوی قانون هیچ اجباری در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه دعوا از این طریق ندارد. البته در صورتی که تمایل داشته باشد، ممنوعیتی در ترغیب متداعیین به فصل مخاصمه از طریق راه‌حل‌های دوستانه ندارد.

18. Negotiation.

19. Mediation.

20. Collaboration.

21. Tania Sourdin, *Alternative Dispute Resolution & the Courts*, First Edition, (The Federation Press, 2004), 3.

22. Conciliation.

23. Nester C, Kohut, "Therapeutic Family Law", 32.

24. Dacian, C. Dragas, *Alternative Dispute Resolution in European Administrative law*, first print (Romania: Cluj Napoca, 2014), 489.

در رابطه با نقش قاضی در ترغیب طرفین دعوا به صلح از طریق میانجی‌گری در کشورهای اروپایی، باید یادآور شد که مطابق با دستورالعمل میانجی‌گری اروپایی^{۲۵} مصوب سال ۲۰۰۸ پارلمان اروپا، کلیه محاکم موظف‌اند پیش از ورود به ماهیت دعوا، با ارجاع متداعیین به میانجی‌گری، اختلاف را در آغاز از این طریق مصالحت‌آمیز حل‌وفصل کنند.^{۲۶} شایان توجه است که این قانون، صرفاً تشکیل جلسات میانجی‌گری برای حل‌وفصل دوستانه دعوا از سوی قاضی را الزامی می‌داند؛ درحالی‌که به دست آمدن صلح در خلال جلسات، کاملاً بسته به اراده طرفین است. بنابراین طرفین، هرچند با دستور قاضی، در آغاز مجبور به حل‌وفصل دوستانه دعوا از این طریق هستند، اما در خلال آن، تابع دستورات قاضی نیستند. این نوع از میانجی‌گری را در نظام حقوقی کامن‌لا^{۲۷} گفته‌اند.^{۲۸}

شیوه میانجی‌گری، در کلیت نظام حقوقی کامن‌لا بیشتر در دعاوی خانوادگی و مسائل مرتبط با آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و درنهایت موجب آن می‌گردد که زن و شوهر در برخی از مسائل مورد اختلاف، مانند سرپرستی فرزندان، بی‌آنکه وارد رسیدگی قضایی رسمی شوند، دوستانه توافق کنند.^{۲۹}

راه‌حل ابتدایی حل‌وفصل اختلافات خانوادگی در حقوق کامن‌لا نیز هم‌راستا با دستورالعمل اروپایی، ارجاع طرفین دعوا به میانجی‌گری از سوی قاضی است. البته رویه قضایی دادگاه‌های کامن‌لا، مانند دادگاه‌های اروپایی به‌گونه‌ای است که طرفین دعوا هرچند ملزم به شرکت در جلسات میانجی‌گری هستند، لیکن به‌هیچ‌عنوان اجباری در ختم دوستانه خصامه ندارند.^{۳۰} این الزام قضایی برای قضات را نیز می‌توان در قانون خانواده^{۳۱} آمریکا مشاهده کرد.

در روند جلسات میانجی‌گری خانوادگی، امکان برقراری صلح میان طرفین دعوا از طریق شیوه تشریک مساعی نیز وجود دارد. لذا در میانجی‌گری‌های همراه با تشریک مساعی، به‌نوعی، میانجی‌گر از هر یک از طرفین می‌خواهد که از بعضی حقوقشان کوتاه آیند تا بتوانند به یک نتیجه دوستانه برسند. چنین اختیاری در شیوه سازش، برای مصلح در نظر گرفته نشده است؛ چراکه سازشگر صرفاً می‌تواند بدون اینکه در جزئیات دعوا دخالت کند، از طریق توصیه‌هایی که به طرفین دعوا می‌کند، تنها موجبات صلح میان طرفین را فراهم سازد.^{۳۲}

25. European mediation direction.

26. [https://www.cedr.com\(5496\)](https://www.cedr.com(5496))

27. Compulsory mediation.

28. [https://www.mediate.com\(10496\)](https://www.mediate.com(10496)).

29. [https://www.osbar.org\(10496\)](https://www.osbar.org(10496)).

30. Van Rhee, "European Traditions in Civil Procedure", First print, (London: Intersentia, 2006), 422.

31. USA Family law.

32. Merger H. Weiner, *A Parent-partner Status for American Family law*, First print (New York: Cambridge University Press, 2015), 63.

«همان‌گونه که در گذشته نیز در رابطه با سازش گفته شد، دکتین حقوقی نظام کامن‌لا، به دلیل خصوصی بودن توافق سازش میان متداعیین، برای قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل‌وفصل دوستانه از این طریق، هیچ‌گونه الزامی در نظر نگرفته‌اند».^{۳۳}

با توجه به آنچه تاکنون در رابطه با نقش قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل‌وفصل دوستانه اختلاف در نظام حقوقی کامن‌لا آمد، مطابق با دستورالعمل اروپایی که در پیش آورده شد و طبق آن در کلیه دعاوی مطروح در دادگاه‌های اروپایی، محاکم در آغاز ملزم به ارجاع متداعیین به میانجی‌گری شدند (با توجه به آنکه بسیاری از کشورهای اروپایی تابع نظام حقوقی کامن‌لا هستند) و اینکه در رابطه با اختلافات خانوادگی در دادگاه‌های آمریکا، قضات پیش از ورود به رسیدگی ماهوی، ملزم به ارجاع متداعیین به میانجی‌گری هستند، می‌توان نقش فعال دادگاه‌های کامن‌لا در ترغیب طرفین دعوا به حل‌وفصل دوستانه دعاوی را استنباط کرد؛ به‌گونه‌ای که همین مسئله موجب گردیده است تا نزدیک به ۹۲٪ دعاوی موجود در محاکم آمریکا از طریق یکی از راه‌حل‌های دوستانه مورد حل‌وفصل قرار گیرد.

همین موفقیت‌ها باعث رشد روزافزون رویه الزامی برای قضات در ترغیب طرفین دعوا به حل‌وفصل مخاصمات از طرق دوستانه در آمریکا شده است؛ به‌گونه‌ای که در پانزدهم دسامبر ۲۰۰۹ طبق فرمان دیوید پترسون، در قانون قواعد و رویه‌های مدنی ایالت نیویورک،^{۳۴} محاکم نیویورک ملزم گردند، دعاوی مرتبط با وام‌های گرفته‌شده به‌وسیله خانواده‌های بالای چهار نفر که از سوی دولت علیه ایشان مطرح می‌گردد، حل‌وفصل اختلاف میان ایشان را تنها با استفاده از طرق دوستانه، حل‌وفصل نمایند. این فرمان، در بخش ۳۴۰۸ قانون قواعد و رویه مدنی ایالت نیویورک به تصویر کشیده شده است.^{۳۵}

نکته پایانی که از اهمیت بسیاری نیز برخوردار است، وجود این قاعده پذیرفته‌شده در محاکم متبوع نظام حقوقی کامن‌لاست که شروع رسیدگی ماهوی به دعاوی در محاکم رسمی تنها منوط به این است که طرفین دعوا بتوانند قاضی را مجاب نمایند که به‌هیچ‌عنوان امکان حل‌وفصل دوستانه دعوا میان آن‌ها وجود نداشته است. در غیر این صورت، دادگاه به‌هیچ‌عنوان وارد رسیدگی ماهوی نمی‌شود.^{۳۶} مهم‌ترین خصیصه نقش دادگاه‌های کامن‌لا در ترغیب طرفین دعوا به حل‌وفصل دعاوی از طرق دوستانه را می‌توان در وجود همین قاعده کلی خلاصه و مشاهده کرد.

33. Rodop. B.V. *Conciliation- Compulsion – Conversion*, First Print (Netherland: Amsterdham Institution, 1994), 18.

34. Civil practice law and rules of newyork.

35. [https://WWW.Wikipedia.com/settlement conference \(12\4\96\)](https://WWW.Wikipedia.com/settlement conference (12\4\96)

36. [https://WWW.Wikipedia.com/settlement conference\(12\4\96\)](https://WWW.Wikipedia.com/settlement conference(12\4\96)).

۲-۲. نظام حقوقی رومی - ژرمنی

در کشورهای تابع نظام حقوقی رومی - ژرمنی نیز توجه ویژه‌ای به مسئله حل و فصل دوستانه اختلافات شده است؛ به گونه‌ای که در فرانسه، به عنوان سیستم پیش‌قراول در نظام حقوقی رومی - ژرمنی، راه‌حل‌های حل و فصل دوستانه دعوا با عنوان^{۳۷} پیش‌بینی شده است که دستاورد این شیوه‌ها نیز می‌تواند همانند با نظام حقوقی کامن‌لا به حل و فصل دوستانه دعوا منجر گردد. مصادیق این شیوه‌ها که به اختصار^{۳۸} نامیده می‌شوند عبارت‌اند از: ۱. مذاکره؛^{۳۹} ۲. میانجی‌گری؛^{۴۰} ۳. سازش؛^{۴۱} ۴. تشریک مساعی.^{۴۲ و ۴۳}

در نظام حقوقی رومی - ژرمنی نیز شیوه‌های حل و فصل دوستانه اختلاف، اصولاً کارایی همانند آنچه در نظام حقوقی کامن‌لا آمد، دارند. با این تفاوت که در نظام حقوقی رومی - ژرمنی، شیوه سازش زیرمجموعه میانجی‌گری قرار نمی‌گیرد و فی‌نفسه از استقلال ویژه‌ای برخوردار است؛ به نحوی که در قانون فرانسه، مستقل از میانجی‌گری مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ چنان‌که باب ششم قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز ذیل عنوان سازش و میانجی‌گری مطرح شده است.^{۴۴} در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، ذیل باب نخست، مبحث هشتم، در ماده ۲۱ آمده است:^{۴۵} صلح دادن طرفین داخل در مأموریت دادرس است. هدف قانون‌گذار فرانسوی با آوردن این ماده در قانون آیین رسیدگی مدنی صرفاً ارشاد دادرس به اختیار او در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف است که امکان تحقق آن از طرق شیوه‌هایی، همچون سازش، میانجی‌گری، مذاکره یا تشریک مساعی صورت می‌گیرد.

این اختیار قاضی، در ماده ۱۲۷ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز تکرار شده است. در این ماده آمده است که چنانچه در جریان رسیدگی، مطابق مواد ۵۶ و ۵۸، ابتکار انجام و تحقق دوستانه اختلاف از سوی طرفین درخواست نشده باشد، قاضی می‌تواند از طرفین بخواهد که

37. Les modes Alternatif de reglement des conflits.

38. MARD.

39. La negociation.

40. La mediation.

41. La conciliation.

42. La method collaborative.

43. Rivier, Marie, *Les Modes Alternatifs de Reglement des Conflits* (University Jean Monnet-Saint- Etienne, 2001), 2.

44. Societe Davocate, *Les Modes Alternatifs de Reglement des Conflits* (Lexavoue, 2013).

45. il (la juge) entre dans la mission du juge de conciliar les parties.

اختلافشان را از طریق سازش یا میانجی‌گری حل کنند.^{۴۶} لازم است گفته شود که آمدن روش‌هایی همچون سازش و میانجی‌گری ذیل این ماده صرفاً به‌عنوان مصادیقی از شیوه‌های حل و فصل دوستانه دعواست.^{۴۷} بنابراین، با توجه به ماده عام ۲۱ که برقراری صلح میان طرفین دعوا را داخل در مأموریت دادرس قرار داده است، قاضی می‌تواند برای نیل به این هدف از هر شیوه دوستانه‌ای که خود صلاح می‌داند، استفاده کند.

حل و فصل دوستانه دعوا در رویه کشورهای تابع نظام حقوقی رومی - ژرمنی اصولاً به دو صورت است: ۱. طرفین دعوا پیش از آنکه به دادگاه مراجعه کنند، از طریق توافق‌نامه بپذیرند که رفع اختلاف میان خود را به‌واسطه یکی از طرق دوستانه حل کنند. ۲. پس از طرح دعوا در محکمه، طبق مواد ۲۱۷ و ۸۱۲۸^{۴۸} قانون آیین دادرسی فرانسه، قاضی می‌تواند به طرفین دعوا پیشنهاد کند که اختلافشان را از طریق یکی از راه‌حل‌های دوستانه برطرف سازند.^{۴۹}

در رابطه با مسئله ترغیب طرفین دعوا به استفاده از شیوه‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز، اگرچه قانون فرانسه قاضی را در دادن پیشنهاد به متداعیین مختار کرده است، لیکن با توجه به موفقیتی که این شیوه رفع نزاع طی سال‌های اخیر به دست آورده است، اصولاً ایشان از این اختیار خود به بهترین وجه استفاده می‌کند. شایان ذکر است که طبق قانون حل اختلاف دوستانه، در اختلافات با موضوع زیر ۴۰۰۰ یورو، طرفین دعوا ملزم به طرح اختلاف در دادگاه بخش هستند و وظیفه الزامی دادگاه بخش بدین صورت است که به رفع و رجوع این اختلافات از طریق راه‌های منتهی به صلح بپردازد.^{۵۰}

در اختلافات با موضوع بالای ۴۰۰۰ یورو، چنانچه قاضی به طرفین پیشنهاد حل مسئله از طریق شیوه‌های دوستانه بدهد، در صورتی که منظور او دعوت طرفین به حل و فصل دعوا از طریق شیوه سازش^{۵۱} باشد، برخلاف نظام حقوقی کامن‌لا، طرفین دعوا در هر صورت ملزم به تبعیت از او هستند.^{۵۲} این حکم را می‌توان با استفاده از ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز به دست آورد؛ چراکه در این ماده آمده است: «قاضی که وظیفه تلاش مقدماتی در برقراری صلح میان طرفین را دارد، می‌تواند ایشان را ملزم به ملاقات با سازشگر دادگستری کند». در رابطه با این ماده دو نکته

46. le juge peut proposer aux parties une mesure de conciliation ou de mediation.

47. Solange ferron, "Les Modes Amiables de Reglement des Diffrends", XV Conference des Juristice de Letat 22.

48. Les parties peuvent se concilier, delles-memes ou a linitiative du juge, tout au long de linstance.

۴۹. ژرارد کوشه، آیین دادرسی مدنی فرانسه، ترجمه سیداحمدعلی هاشمی (مؤسسه انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱)، ۲۶۱.

50. [https:// www.wikipedia.com/la conciliation\(12|4|96\)](https://www.wikipedia.com/la conciliation(12|4|96)).

51. La conciliation.

52. [https:// www.wikipedia.com/la conciliation|12|4|96](https://www.wikipedia.com/la conciliation|12|4|96).

قابل توجه است: ۱. با توجه به ماده ۱۲۸ همین قانون که می‌گوید «قاضی می‌تواند به طرفین پیشنهاد حل اختلاف از طریق راه‌حل‌های دوستانه دهد»^{۵۳} و نیز ماده ۱۲۹^{۵۳} همین قانون که می‌گوید «قاضی باید تلاش‌های مقدماتی خود را مصروف حل و فصل دوستانه دعوا بکند» این مفهوم به دست می‌آید که مطابق قانون فعلی فرانسه، برخلاف قانون قدیم، دادرسی الزامی در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه دعوا ندارد.^{۵۴}

در صورتی که قاضی به طرفین دعوا پیشنهاد حل و فصل دوستانه اختلاف از طریق مذاکره، میانجی‌گری و ... (به‌جز سازش) بدهد، طرفین دعوا هیچ الزامی در پذیرش پیشنهاد او ندارند. این مسئله را می‌توان از ماده ۱۳۱-۶ و دیگر مواد مربوطه استنباط کرد. در ماده ۱۳۱-۵۶^{۵۵} آمده است که تصمیم دادگاه مبنی بر حل و فصل دعوا از طریق میانجی‌گری تنها در صورتی معتبر است که با توافق طرفین باشد و در ماده ۱۳۱-۱۲ آمده است که حل اختلاف از طریق میانجی‌گری، در هیچ موردی دادرسی را فارغ از رسیدگی نمی‌نماید و مطابق ماده ۱۳۱-۶۱۰^{۵۶} دادرسی می‌تواند هر زمان که لازم دانست به حل و فصل دعوا از طریق میانجی‌گری خاتمه بخشد. همین تفاوت التزام متداعیین به تبعیت از دستور قاضی، موجب تفاوت نقش دادگاه‌های رومی - ژرمنی در ترغیب متداعیین به صلح از طریق سازش^{۵۷} و میانجی‌گری^{۵۸} گردیده است. البته تفاوت نقش قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل اختلاف از طریق میانجی‌گری و سازش می‌تواند به این دلیل باشد که حل اختلاف دوستانه از طریق سازش کاملاً رایگان است.^{۵۹} بنابراین، با وجود رایگان بودن حل اختلاف از طریق سازش برای طرفین، دست قاضی در ترغیب ایشان به رفع مخاصمه از این طریق باز است و از آنجا که متداعیین نیز دلیلی بر رد این پیشنهاد به این جهت که در روند سازش، اجباری به صلح با یکدیگر ندارند، نظام قضایی فرانسه به دلیل اثری که این روش در تسریع حل اختلافات و کاستن از تراکم پرونده‌ها دارد، طرفین دعوا را ملزم به پیروی از دادرسی می‌کند که پیشنهاد حل اختلاف از طریق سازش را به متداعیین بدهد، اما در پیشنهاد به میانجی‌گری از آنجا که این روش همراه با پرداخت هزینه از سوی متداعیین است،^{۶۰} الزام طرفین از

53. La conciliation est tentée, sauf disposition particulier, au lieu et au moment que le juge estime favorable et selon les modalités qu'il fixe.

۵۴. کوشه، آیین دادرسی مدنی فرانسه، ۳۴۵.

55. La décision qui ordonne une médiation mentionne l'accord des parties, désigne le médiateur et la durée initiale de sa mission la date à laquelle l'affaire sera rappelée à l'audience.

56. Le juge peut mettre fin à tout moment à la médiation.

57. Conciliation.

58. Médiation.

59. [https://www.wikipedia.com/laconciliation\(15496\)](https://www.wikipedia.com/la%20conciliation(15496)).

60. [https://www.wikipedia.com/laconciliation\(15496\)](https://www.wikipedia.com/la%20conciliation(15496)).

سوی دادرس به حل دوستانه اختلاف از این طریق مورد تأیید قانون فرانسه قرار نگرفته است. بنابراین، حل اختلاف دوستانه از طریق این شیوه که با پیشنهاد قاضی صورت می‌گیرد، تنها در صورتی ممکن است که طرفین دعوا نیز پیشنهاد قاضی را بپذیرند.

در همین جا نیاز است گفته شود که از سال ۲۰۱۶ طبق قانون^{۶۱} حل و فصل دعوا به واسطه میانجی‌گری، در بعضی از دادگاه‌های بزرگ فرانسه به صورت آزمایشی به گونه‌ای که قاضی پیش از ورود به رسیدگی ماهوی ملزم به ارجاع متداعیین به میانجی‌گری است، در حال اجراست.^{۶۲}

در رابطه با راه حل و فصل دوستانه اختلاف از طریق شیوه تشریک مساعی، اصولاً متداعیین می‌توانند پیش از آنکه به محکمه رجوع کنند، خود از طریق مذاکره و با گذشتی که از بعضی از حقوقشان می‌کنند، باهم صلح کنند.^{۶۳} به همین دلیل، قانون فرانسه در این رابطه، قاضی را ملزم به ترغیب طرفین دعوا از طریق این راه حل نکرده است. البته با توجه به ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، دست قضات برای ترغیب طرفین دعوا به حل اختلاف از طریق تشریک مساعی نیز باز است؛ اگرچه در تشریک مساعی نیز طرفین دعوا برخلاف سازش که در صورت پیشنهاد از سوی قاضی مجبور به تبعیت از او هستند، الزامی در پذیرش پیشنهاد قاضی ندارند.

۲-۳. فقه امامیه و مبانی ترغیب به استفاده از شیوه‌های جایگزین حل و فصل دعوا در نظام حقوقی اسلام

پرواضح است که دین مبین اسلام، بیش از آنکه مبتنی بر الزامات خارجی و قهری باشد، مبتنی بر صلح و سازش است؛ چراکه در آیه ۶۱ سوره انفال چنین آمده است که در صورت تمایل آن‌ها به صلح، تو نیز خود را به صلح درآور که خداوند شنوا و داناست: «وَإِنْ جَاءُوا لِّلْسَلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ هر چند این آیه به طور خاص مربوط به مسائل سیاسی است، باوجوداین ممنوعیتی در زیر پوشش قرار دادن محدوده عام خود، از جمله حل و فصل دوستانه اختلاف در روابط خصوصی افراد ندارد. بنابراین، با استناد به این آیه و تفسیری که از آن شد، خداوند پیامبر را ملزم به استفاده از شیوه‌های جایگزین حل و فصل رسمی اختلاف کرده است؛ چراکه در این آیه از فعل امر «اجنح» استفاده شده و با توجه به اینکه دلالت اولیه فعل امر بر وجوب است، لذا حل و فصل دوستانه اختلاف را بایستی مقدم بر حالت رسمی آن دانست و محاکم باید آن را مقدم بر رسیدگی رسمی بدانند. افزون بر این، در آیه ۱۲۸ سوره نساء درباره روابط زناشویی و

61. Modernization de justice du xxle siècle instaunre.

62. [https://www.cairn.info\(\18\4\96\)](https://www.cairn.info(\18\4\96)).

63. [https://www.lingue.fr\(\18\4\96\)](https://www.lingue.fr(\18\4\96)).

نحوه حل و فصل اختلافات خانوادگی می‌فرماید: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» با توجه به سیاق آیه نیز باید قائل به این شد که در صورت پدید آمدن اختلافات خانوادگی، محکمه باید متخاصمان را نخست به سوی حل و فصل دوستانه اختلاف ترغیب و هدایت نماید؛ چراکه در این آیه پس از طرح خوف زن از نشوز و اعراض شوهرش، مسئله صلح مطرح شده است و با توجه به اینکه زن، برخلاف مرد، امکان طلاق بالاستقلال خودش را ندارد و برای اجرای صیغه طلاق، لزوماً باید به دادگاه و محکمه مراجعه نماید، پس مخاطب دستور آیه قرآن به صلح، حاکم است که به خوبی بیانگر وظیفه حاکم در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف است. در آیه ۱۰ سوره حجرات نیز به صراحت می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ». با توجه به سیاق امرانه آیه شریفه، مبنی بر لزوم اقدام مؤمنین در صلح دادن برادرانشان، می‌توان به این نتیجه رسید که یکم، به طور طبیعی، امکان صلح اجباری مابین اشخاص وجود ندارد و دوم، با توجه به منطوق آیه شریفه، مبنی بر دستور به اشخاص ثالث در صلح دادن برادرانشان، می‌توان به وظیفه حکام، به عنوان اشخاص ثالث در ترغیب طرفین دعوا در به‌کارگیری شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف اشاره کرد.

افزون بر آیات قرآن، روایات ائمه اطهار (ع) نیز بیانگر لزوم ترغیب طرفین دعوا، به حل و فصل دوستانه اختلاف است. در روایت امام صادق (ع) به مفضل بن عمر، کارگذار مالی ایشان، این‌گونه آمده است: «هرگاه بین دو نفر از پیروان ما نزاعی دیدی، از مال من بپرداز تا با یکدیگر مصالحه نمایند». با توجه به زعامت باطنی امام صادق (ع) بر جامعه مسلمین، دستور ایشان به کارگذار مالی خود مبنی بر صرف هزینه برای صلح دادن مسلمین با یکدیگر، این نتیجه به دست می‌آید که حاکم باید با استفاده از بیت‌المال، در پی حل و فصل دوستانه اختلاف بین مسلمین باشد. به نظر، سیاق روایت، به‌گونه‌ای نیست که منظور امام از ایجاد صلح، صرفاً پرداخت دین مسلمین برای ایجاد صلح میان آنان باشد، بلکه منظور ایشان، لزوم صرف بیت‌المال در راستای ترغیب مسلمین به حل و فصل دوستانه دعواست؛ چراکه در روایت «اذا رایت بین اثین من شیعتنا منازعه فافتدها من مالی»، مرجع ضمیر «ها» در فعل «افتد» که «مفعول به» فعل است، «منازعه» است و با توجه به اینکه واژه «منازعه» اسم جنس است و به صورت مطلق هم بیان شده است، پس شامل همه مشاجرات و نزاع‌ها می‌شود و با توجه به اینکه بسیاری از مشاجرات غیرمالی هستند و علی‌القاعده با پرداخت مبلغی پول، به مصالحه منجر نمی‌شوند، لذا در تفسیر این روایت باید گفت که منظور امام صادق (ع)، لزوم هزینه بیت‌المال برای ترغیب متخاصمین به حل و فصل دوستانه دعواست. فلسفه بسیاری از آیات و روایات ترغیب‌کننده به استفاده از

شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف که تنها مختصری از آن بیان شد، جلوگیری از درگیری بیش از حد حاکمیت با دعاوی است که امکان حل و فصل دوستانه آن‌ها به سهولت وجود دارد که گاه، منابع گسترده حاکمیت جامعه اسلامی را صرف خود کرده، موجب اتلاف آن می‌گردد. مبنایی که به خوبی، اهمیت لزوم توجه قانون‌گذار ایرانی در به‌کارگیری شیوه‌های دوستانه حل و فصل اختلاف را نشان می‌دهد.

افزون بر آیات و روایات متعدد در این رابطه، کلام فقها نیز به خوبی بیانگر اهمیت نقش محاکم در ترغیب متخاصمین، به حل و فصل دوستانه اختلاف است که تفصیل آن در ادامه خواهد آمد.

«فقهای امامیه در رابطه با مسئله نقش قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف، پیش از ورود به رسیدگی ماهوی، نظرات ویژه‌ای ارائه کرده‌اند. در نظرات فقها، عموماً در این رابطه دو نوع فتوا وجود دارد: ۱. استحباب اقدام قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه مخاصمه، بدون اینکه از طرفین دعوا بخواهد که از حق و حقوقشان بگذرند».^{۶۴} ۲. «حرمت یا کراهت ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه اختلاف از طریق درخواست به اسقاط حق و حقوقشان».

«ابن ادریس در مسئله صلح در خصوص مهلت ایفای دین، قائل به امکان درخواست مدیون از دائن مبنی بر دادن مهلت به او شده است. در ادامه می‌گوید که چنانچه دائن درخواست مدیون را رد کند، قاضی حق وساطت مابین آن دو را بدین صورت که از دائن بخواهد به مدیون مهلت دهد، ندارد».^{۶۵} البته این مسئله نافی اختیار قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل مسالمت‌آمیز دعوا بدون دخالت مستقیم دادرس در اختلاف نیست.

«شیخ طوسی، شیخ مفید و ابن البراج نیز بر همین عقیده هستند، با این تفاوت که ایشان معتقدند در صورت پذیرفته شدن استهمال از سوی دائن، قاضی ملزم به صدور حکم است و نمی‌تواند به طرفین پیشنهاد حل و فصل دوستانه دعوا را بدهد».^{۶۶}

«محقق حلی در این مسئله، صرفاً قائل به کراهت شفاعت حاکم برای مدیون نسبت به تقاضایی که از دائن راجع به اسقاط حقی، بعد از ثبوت حق یا ابطال دعوا قبل از ثبوت حق می‌کند، شده است».^{۶۷}

۶۴. محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه (قم: المکتبه المرتضویه، ۱۴۱۰ ق)، ۸ / ۳۴۱.

۶۵. ابن ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق)، ۲ / ۱۶۰.

۶۶. طوسی، المبسوط، ۸ / ۳۴۵.

۶۷. المحقق الحلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (قم: النشر دارالمهدی، ۱۴۰۳ ق)، ۴ / ۸۱.

«شهید ثانی در مسالک الافهام برای جمع میان دو حکم کراهت ترغیب ذی حق به اسقاط حق با حکم استحبابی برای قاضی در دعوت طرفین به حل و فصل دوستانه، آورده است که یا باید مفهوم صلح را مشترک معنوی در اسقاط و عدم اسقاط بدانیم و بر یکی حکم کراهت و بر دیگری حکم استحباب بار نماییم یا قاعده عمومی را بر کراهت شفاعت قاضی از محکوم علیه بدانیم و حکم استحبابی ترغیب طرفین به حل و فصل دوستانه اختلاف را مستثنی منه آن قرار دهیم».^{۶۸}

«ابوالصلاح در فتوای صادره اش راجع به این مسئله قائل شده که ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف، در صورتی مستحب است که از سوی قاضی صورت نگرفته باشد. بنابراین، در صورتی که او شخص دیگری را واسطه ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف قرار دهد، آنگاه مستحب است».^{۶۹}

«صاحب جواهر با بررسی نظر دیگر فقها، در نهایت چنین حکم می دهد که دخالت قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه از طریق اسقاط حق، پیش از صدور حکم، ممنوع یا مکروه است. حال آنکه ترغیب طرفین به حل و فصل دوستانه را بدون اینکه مقتضی سقوط حق باشد، در هر حال مستحب می داند».^{۷۰}

مطابق آنچه تاکنون آورده شد، مطابق ماحصل کلام فقها، قدر متیقن استحباب اقدام قاضی به ترغیب طرفین دعوا در حل و فصل دوستانه اختلاف است، البته در صورتی که اقدام او مقتضی درخواست به اسقاط حق نباشد.

نیاز به تبیین است که توجه به زمان اقدام قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف نیز در کلام فقها از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ چنان که شیخ انصاری با استناد به روایتی از پیامبر اکرم (ص) به نقل از امام حسن عسکری (ع)، امکان ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف از سوی قاضی را صرفاً تنها تا پیش از مشخص شدن حکم برای وی میسر می داند. ایشان قاضی را صرفاً در مواردی مجاز به ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه دعوا می داند که یا دعوا فاقد ادله کافی برای اثبات حق مدعی به باشد و یا قاضی هر چند که ادله کافی برای صدور حکم دارد، لیکن با وجود این نیز امکان حصول حکم برای او امکان پذیر نباشد. در غیر این دو حالت، قاضی در هر حال، بدون ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه اختلاف،

۶۸. الشهید زین الدین بن علی العاملی الجبعی، مسالک الافهام الی تنقیح الاسلامی (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق)، ۴۳۵/۱۳.

۶۹. ابوالصلاح الحلبي، الکافی فی الفقه (کتابخانه دیجیتال نور، ۱۳۹۷)، ۴۴۷.

۷۰. شیخ محمد حسن النجفی، جواهر الکلام فی شرح الاسلام (تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۹۵)، ۴۰/۱۴۹.

باید اقدام به صدور حکم کند. ایشان در مواردی نیز که حکم برای قاضی مشخص نباشد، در صورت درخواست مدعی از او به صدور حکم، قاضی را درحالی که استفاده از ادله‌ای، همچون سوگند منکر، بدون ترغیب متداعیین به حل دوستانه اختلاف، موظف به صدور حکم می‌داند.^{۷۱}

برخلاف شیخ انصاری، بیشتر فقها در احکام صادره خود در این رابطه، قائل به استحباب اقدام قاضی در ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه دعوا شده‌اند، حتی در صورتی که حکم نیز برای او مشخص باشد. لذا محقق حلی و صاحب جواهر در فتاوی‌اش چنین گفته‌اند: «چنانچه حکم بر قاضی روشن گردد، ملزم به صدور حکم است، لیکن مستحب است که پیش از صدور حکم طرفین را به صلح با یکدیگر ترغیب نماید و تنها پس از رد شدن این پیشنهاد است که می‌تواند صدور حکم کند».^{۷۲}

شیخ طوسی نیز با استناد به آیه «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ»^{۷۳} عقیده‌ای همانند با محقق حلی و صاحب جواهر اتخاذ کرده است.^{۷۴}

در توجیه تفاوت حکم فقها راجع به استحباب اقدام قاضی در ترغیب متداعیین به صلح با ممنوعیت او از شفاعت به اسقاط حق، می‌توان گفت که تقاضای اسقاط حق از سوی قاضی اصولاً همراه با دخالت شخصی او در دادرسی است که می‌تواند مخالف پایبندی او به رسیدگی بی‌طرفانه باشد؛ درحالی که این تناقض در مسئله ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه دعوا، مشاهده نمی‌شود.

۴-۲. نظام قضایی ایران

در ماده ۷۵۲ قانون مدنی،^{۷۵} کلیت امکان حل و فصل دوستانه به تصویر کشیده شده است. در قانون آیین دادرسی مدنی نیز در رابطه با حل و فصل دوستانه اختلاف، در ماده ۱۷۸ چنین آمده است: «طرفین می‌توانند در هر مرحله از رسیدگی، اختلاف حقوقی موجود میان خود را دوستانه حل و فصل کنند». البته قانون یادشده، درباره مسئله نقش دادگاه‌ها در ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه اختلاف، برخلاف قانون فرانسه، سکوت کرده است. همین سکوت موجب طرح این پرسش شده است که آیا معنای سکوت قانون‌گذار، به مفهوم عدم امکان مداخله قضات

۷۱. مرتضی انصاری، القضاء و الشهادات (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق)، ۱۲۳.

۷۲. النجفی، جواهر الکلام، ۴۰/ ۱۵۱.

۷۳. نساء: ۱۱۴.

۷۴. طوسی، المبسوط، ۷/ ۱۷۰.

۷۵. صلح یا در مورد رفع تنازع موجود یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن امکان وقوع دارد.

دادگستری در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل مسالمت‌آمیز دعواست یا خیر؟ با توجه به سکوت قانون آیین دادرسی مدنی، مطمئناً قضات هیچ‌گونه الزامی در ترغیب طرفین دعوا به حل مصالحت‌آمیز اختلاف را پیش از ورود به ماهیت دعوا ندارند. با این حال، بایسته است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا در صورت تمایل قاضی به ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه دعوا، او می‌تواند پیش از ورود به ماهیت دعوا دست به چنین اقدامی بزند یا خیر؟ با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که جبران خلأهای قانونی را به منابع اسلامی و فتاوی معتبر حواله داده است، مسلماً با استفاده از فتاوی فقها در این رابطه که در مبحث قبل نیز بخشی از آن ارائه گردید، ترغیب طرفین دعوا به حل دوستانه اختلاف از سوی قاضی، در صورتی که ترغیب ایشان به حل و فصل دوستانه، موجب سوق یکی از ایشان به اسقاط حقیق نباشد، نه تنها مذموم، بلکه ممدوح است. با توجه به همین فتاوی می‌توان گفت که اقدام قاضی ایرانی به ترغیب طرفین دعوا به حل دوستانه اختلاف از طریق میانجی‌گری، در صورتی که موجب دخالت مستقیم قاضی در سوق دادن متداعیین به اسقاط بخشی از حقوقشان باشد، ممنوع است و موجب تخلف انتظامی ایشان می‌گردد، اما در صورتی که سوق دادن طرفین به میانجی‌گری از سوی قاضی با رعایت این پیش شرط باشد که طرفین بتوانند فارغ از هرگونه اجباری خود به صلح برسند، در نظام قضایی ایران نیز مانند دیگر نظام‌هایی که در پیش آورده شد، ممنوعیتی وجود ندارد.

برخلاف سکوت قانون‌گذار در برابر نقش قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف در قانون آیین دادرسی مدنی، این مسئله در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مورد اشاره قرار گرفته است. در ماده ۸۲ این قانون آمده است که مقام قضایی رسیدگی‌کننده می‌تواند پیش از ورود به ماهیت دعوا، موضوع مورد اختلاف را در صورت توافق طرفین، برای حل و فصل دوستانه به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای دیگر حواله نماید. در همین راستا، ماده ۱۹۲ همین قانون نیز بازپرس را در صورتی که امکان حل و فصل دوستانه دعوا وجود داشته باشد، مکلف کرده است تا برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف میان طرفین بکوشد. این ماده که صرفاً مبین تکلیف بازپرس به تلاش در حل و فصل دوستانه دعواست، نشانگر اختیار طرفین دعوا در پذیرش پیشنهاد حل و فصل دوستانه اختلاف از سوی بازپرس است. بنابراین، هرچند بازپرس ملزم به تلاش در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه دعواست، لیکن طرفین دعوا هیچ اجباری در پذیرش پیشنهاد او ندارند.

از آنجا که در قانون یادشده، ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف از سوی بازپرس صرفاً در خصوص جرائم خصوصی و آثار مدنی آن‌ها ممکن است، می‌توان گفت که این قانون خلأ موجود در قانون آیین دادرسی مدنی، راجع به نقش قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل

دوستانه اختلاف را جبران کرده است. بنابراین، با توجه به فحوی خطاب مواد ۸۲ و ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری که بازپرس را ملزم به تلاش در حل و فصل دوستانه جرائم خصوصی و آثار مدنی آنها که اصولاً مهم‌تر از دعاوی مدنی صرف هستند، می‌کند، این نتیجه به دست می‌آید که قضات دادگاه‌های مدنی نیز با توجه به همین قانون، نخست ملزم به ترغیب طرفین دعوا در حل و فصل دوستانه مخاصمه هستند. با وجود این، شایسته نظام قضایی ایران است که خلأ موجود در قانون آیین دادرسی مدنی در این رابطه را همانند قانون فرانسه، برطرف سازد؛ چراکه بسیاری از قضات دادگاه‌های مدنی از التزامی که به تلاش در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل مسالمت‌آمیز دعوا، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری دارند، آگاه نیستند. از این رو، ناخواسته از این وظیفه خود تخطی کرده، موجب انباشت پرونده‌های حقوقی در دادگاه‌ها می‌شوند. بنابراین، لازم است همان‌گونه که قانون‌گذار در ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲ دادگاه‌ها را در تمام دعاوی مربوط به طلاق، به غیر از طلاق توافقی، ملزم به ارجاع اختلاف به داوری، برای حل و فصل مسالمت‌آمیزانه می‌کند، دست‌کم از طریق تنظیم آیین‌نامه و ایجاد مراکز برای حل و فصل دوستانه اختلافات، قضات را به این وظیفه ضروری‌شان ارشاد نماید تا جامعه، شاهد آثار ویژه آن، همچون آرامش و اتحاد اجتماعی و سرعت عمل قوه قضائیه در رسیدگی به دعاوی مهمی گردد که امکان حل و فصل دوستانه آن نیست.

۳. اصول حاکم بر جلسات حل و فصل دوستانه اختلاف با تکیه بر تجارب محاکم نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی - ژرمنی

از آن‌رو که طبق رویه عمومی جامعه حقوقی ایران، حل و فصل دوستانه اختلاف چندان مرسوم نیست، لازم دیده شد برای عمومی ساختن این فرهنگ از طریق راهنمایی قانون‌گذار در توجه بدان، اصول کلی حاکم بر جلسات حل و فصل دوستانه اختلاف و نحوه برگزاری آنها برای کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که به تأسیس مؤسساتی با رویکرد رسیدگی دوستانه به حل و فصل اختلاف میان افراد متمایل‌اند، ترسیم گردد. لازم است یادآوری گردد که اصول ذکر شده مبتنی بر استنباط نویسنده از مشاهده و بررسی عملکرد عینی محاکم کامن‌لایی و رومی - ژرمنی بوده است که در ادامه خواهد آمد.

اصول کلی حاکم بر نشست‌های غیر قضایی حل اختلاف عبارت‌اند از:

۱. مبتنی شدن هدف جلسات دوستانه حل و فصل اختلاف بر شفاف‌سازی غیر مغرضانه از نقاط کور موضوع مورد مناقشه.

۲. مدیریت جلسات حل و فصل دوستانه اختلاف؛ به گونه‌ای که به دست‌یابی توافقی منتج گردد که مطلوب هر دو طرف دعوا باشد نه یکی از ایشان. البته به دست آوردن چنین مطلوبیتی صرفاً در مقایسه با رضایتی است که امکان به دست آوردن آن به وسیله متخاصمین در رجوع به محاکم رسمی دادگستری وجود دارد، نه رضایت مطلق ایشان که دست‌یابی به آن چه بسا غیرممکن است.
۳. نشست‌های دوستانه اصولاً باید معطوف به تحلیل مسائل موضوعی قرار گیرند و تا حد ممکن در برابر نقض امور حکمی و تحلیل آن‌ها سکوت کنند؛ چراکه تمایل بر این است که صلح میان متخاصمین از طریق فعالیت‌های کدخدامنشانه، و نه قانونی صورت بگیرد.^{۷۶}
۴. لزوم همکاری مبتنی بر حسن نیت کافی متخاصمین در جلسات حل و فصل دوستانه اختلاف، به نحوی که امکان گفتگوی محترمانه میان ایشان، به دور از هرگونه تنش و کینه‌ورزی وجود داشته باشد.
۵. لزوم اقدام مدیر جلسه در حاکم کردن شرایطی بر نشست‌های دوستانه حل و فصل اختلاف که طرفین بتوانند محترمانه و به دور از هرگونه فحاشی و جاروجنجال، با یکدیگر رو در رو و آزادانه گفتگو کنند.
۶. لزوم عدم وجود هرگونه محدودیت زمانی در خلال جلسات حل و فصل دوستانه اختلاف و نیز تعداد دفعاتی که جلسات دوستانه می‌تواند طی آن برگزار گردد.
۷. آگاه کردن متخاصمین از سوی مدیر جلسه از ریزه‌کاری‌های مربوط به نحوه برگزاری جلسات حل و فصل دوستانه اختلاف و آثار حقوقی که در صورت تحقق توافق یا عدم توافق بر وضعیت حقوقی ایشان تحمیل خواهد شد.^{۷۷}
۸. لزوم برگزاری غیرعلنی جلسات مرتبط با موضوع مورد مناقشه.
۹. لزوم محرمانه بودن مذاکرات صورت‌گرفته در خلال جلسات حل و فصل دوستانه اختلاف و ممنوعیت افشای آن‌ها در مکان‌هایی، جز جلسه مربوطه.
۱۰. لزوم برگزاری جلسات حل و فصل دوستانه اختلاف به صورت کاملاً غیررسمی و انعطاف‌پذیر.

76. Karen, Morgan. *Conciliation Courts*. First Print, (USA: Winconcin legislative staff, 1978).

77. P.Cox, Richard, E.Miller, Mary "Simple Justice: An Investigative Study of Conciliation Courts", (www. Googlebooks, 2004), 15.

۱۱. لزوم عدم احتساب اقرارها، شواهد و مدارک ارائه شده در خلال جلسات حل و فصل دوستانه اختلاف در محاکم رسمی، آنگاه که طرفین با یکدیگر توافق نکرده، به محکمه رسمی مراجعه کنند.

۱۲. طرح راه حل های منتج به حل و فصل دوستانه اختلاف با ذکر دلیل از سوی مدیر جلسه و نیز ترغیب متخاصمین به ارائه پیشنهاد در این زمینه.

۱۳. عدم نیاز به حضور فیزیکی متخاصمین در برگزاری جلسات دوستانه؛ چراکه هدف از برگزاری این جلسات، صرفاً ایجاد ارتباط فکری نه فیزیکی میان متخاصمین است که می تواند از طریق تلفن، ویدئو کنفرانس، ایمیل یا فضای مجازی و ... باشد.

۱۴. لزوم بی طرفی مدیر جلسه؛ به گونه ای که از هیچ یک از طرفین جانب داری و طرفداری ننماید.

۱۵. لزوم ایفا نکردن نقش تعیین کننده در تحمیل نتیجه مسالمت آمیز به طرفین برای حل و فصل دوستانه اختلاف از سوی مدیر جلسه.

۴. جلسه مدل حل و فصل دوستانه اختلاف با تکیه بر تجارب محاکم نظام های حقوقی کامن لا و رومی - ژرمنی

همان گونه که روشن است، ممنوعیتی در امکان برگزاری و اداره جلسات حل و فصل دوستانه اختلاف، پس از آنکه از سوی دادگاه مقرر گردید، تحت مدیریت قاضی همان دادگاه یا محکمه ای دیگر و یا دیگر سازمان های خصوصی، عمومی دولتی یا غیردولتی و حتی اشخاص حقیقی که این امکان برایشان مهیاست، وجود ندارد.^{۷۸} البته تفاوت محسوسی که در برگزاری جلسات با محوریت مدیریتی قاضی همان دادگاه با دیگر گزینه ها دیده می شود، این است که چنانچه طرفین در خلال جلسات دوستانه، در نهایت با یکدیگر به نتیجه نرسند، قاضی از باب صلاحیت اولیه ای که داشته است و با توجه به ادله و اظهارات طرفین در گذشته، می تواند روند نشست های دوستانه را به جلسات رسیدگی رسمی قضایی تغییر دهد؛ به نحوی که این اقدام به نشست های دوستانه گذشته نیز سرایت پیدا کند. چنین انعطافی، به مراتب می تواند موجب تسریع در ختم نزاع میان طرفین دعوا شود، حتی در صورتی که میان متداعیین توافق حاصل نگردد. در حالی که چنین

78. Solange Ferron, "Les Modes Amiables de Reglement des Diffrends, XV Conference des Juristice de Letat" (2012) Vol. 22.

قابلیتی در جلسات دوستانه با محور مدیریتی دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی خارج از دادگاه، بنا بر اصل محرمانگی اطلاعات و مسامحه در عدم توجه به اظهارات متداعیین در خارج از مرجع قضایی رسمی صالح مشاهده نمی‌گردد.^{۷۹}

پس از صدور قرار رسیدگی دوستانه به اختلاف از سوی دادگاه، در صورتی که برگزاری جلسات دوستانه با محور مدیریت همان دادگاه صالح صورت بگیرد، قاضی مسئول باید جدای از شخصیت حقوقی - قضایی اش، متخصصین را از طریق هر وسیله‌ای، مانند ارسال احضاریه، تلفن و ایمیل که خود صلاح می‌داند، برای انجام هماهنگی‌های لازم در برگزاری جلسات دوستانه، در ضمن وقت اداری یا خارج از آن، دعوت کند. در صورتی که مرجع مقرر به رسیدگی دوستانه اختلاف مؤسسه یا اشخاصی غیر از دادگاه باشد، با ارجاع مسئله از سوی دادگاه به آن‌ها و قبول ایشان، این وظیفه را با توجه به مقرراتی که گهگاه مؤسسات متخصص در این رابطه دارند، طرفین را برای انجام هماهنگی‌ها دعوت به برگزاری نشست هماهنگی می‌کنند.^{۸۰}

در جلسه هماهنگی که اولین جلسه دوستانه محسوب می‌گردد، رویکرد جلسه بیشتر باید معطوف به تعیین آیین روند رسیدگی، از جمله زبان گفتگو، محل و تاریخ برگزاری نشست‌های دوستانه، نحوه ابلاغ و ... گردد. در این جلسه، همچنین لازم است توضیحات لازم برای تبیین فلسفه و اهداف پیگیرنده از برگزاری این جلسات دوستانه و اینکه طرفین هیچ اجباری در توافق دوستانه با یکدیگر ندارند، بیان گردد. پس از تعیین مسائل مربوط به آیین رسیدگی ذیل اساسنامه برگزاری جلسات دوستانه، دومین جلسه دوستانه که در حقیقت، نخستین جلسه دوستانه رسیدگی ماهوی است، در مدتی معقول مانند یک ماه پس از جلسه هماهنگی، با اطلاع‌رسانی به متداعیین برگزار خواهد گردید.

همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، در برگزاری جلسات سازش، هیچ لزومی به حضور فیزیکی طرفین دعوا نیست؛ بلکه آنچه مهم است، برقراری ارتباط کلامی سه‌گانه میان طرفین دعوا و مدیر جلسه در هر زمانی، از طریق هر وسیله مقدور برای ایشان است.

در نخستین جلسه رسیدگی که گاه از طریق وسایل الکترونیکی، مثل ویدئوکنفرانس است، لازم است موضوعات مورد مناقشه و روند گفتگو در رابطه با هر مسئله، به واسطه توضیحات

79. H. Weiner. A Parent-partner Status for American Family law. First print (New York: Cambridge University Press, 2015), 93.

80. Tania Sourdin. Alternative Dispute Resolution & the Courts. First Edition (The Federation Press, 2004), 8.

طرفین و پیشنهادهای ایشان و مدیر جلسه، طبق چهارچوبی معین برای همه اشخاص حاضر در جلسات مشخص گردد. پس از آن، لازم است نخست توضیحات مختصری از سوی مدیر جلسه به متداعیین، راجع به نقشی که وی صرفاً در اداره جلسات و هدایت فکری متداعیین در یافتن نتیجه‌ای دوستانه دارد، ارائه گردد.^{۸۱} این مسئله نیز از اهمیت دوچندان برخوردار است که در صورت برگزاری جلسات دوستانه تحت مدیریت یک مؤسسه خصوصی یا عمومی، چنانچه این مؤسسات تابع مقررات داخلی خودنوشته‌ای هستند، طرفین باید از آن‌ها اطلاع یابند. در ادامه روند رسیدگی، مدیر جلسه موظف است که نظر طرفین مخاصمه یا وکلای ایشان را درباره میزان اهمیت موضوع مخاصمه و نیز تأثیری که بر وضعیت حقوقی‌شان و راه‌حلهایی که می‌تواند دو طرف را از این وضعیت بفرنج نجات دهد، جویا شود. در همین راستا لازم است که مدیر از متداعیین بخواهد، خواسته‌ها و انتظارات معقول خود را که در صورت برآورده شدن موجب انصرافشان از رجوع به محکمه دادگستری می‌گردد، شفافانه بیان کنند. در این میان، با شروع گفتگوها، نقش مدیر جلسه در یافتن نقاط اشتراک و اختلاف متخاصمین با یادداشت برداری نقاط ضعف و قوت استدلال‌های ایشان، بیش از پیش به چشم می‌آید.

«مدیر جلسه، در روند برگزاری جلسات وظیفه دارد شرایطی را فراهم کند که امکان مذاکره مستقیم متخاصمین با یکدیگر فراهم گردد؛ به نحوی که با ممکن شدن درک وضعیت کنونی هر یک از طرفین به وسیله دیگری، امکانی بهتر برای دستیابی به حل و فصل دوستانه اختلاف در خلال جلسات اشتقاقی^{۸۲} میان ایشان به وجود آید».^{۸۳} در همین راستا، مدیر جلسه می‌تواند پیش از برگزاری هر نشست دوستانه، جلسات خصوصی با هر یک از متداعیین را در هر محل و زمانی که خود صلاح می‌داند برگزار کند تا از صحت و سقم ادعاهایشان اطلاع یابد.

پس از سپری شدن مراحل رسیدگی، نوبت به جلسه نتیجه‌گیری اشتقاقی^{۸۴} (جلسه‌ای که نتیجه آن در گرو توافق طرفین است) می‌رسد. در این نشست، مدیر با ارائه نقاط اشتراکی و اختلافی طرفین مخاصمه در ادعاها و خواسته‌هایشان و نیز امتیازاتی که در ضمن نشست‌های دوستانه به یکدیگر داده و میزان برآوردگی انتظاراتی که در جلسه اول مطرح کرده‌اند، از ایشان

81. Rodop, B.V. Conciliation- Compulsion – Conversion, First Print (Netherland: Amsterdham Institution, 1994), 22.

82. Joint sessions of conciliation.

83. Decain, C. Dragas. *Alternative Dispute Resolution in European Administrative law*. First print (Romania: Cluj Napoca, 2014), 521.

84. Concluding session of conciliation.

می‌خواهد به اختلافشان با یکدیگر، به‌طور جزئی یا کلی خاتمه دهند. در غیر این صورت، با توافق طرفین، نشست‌ها و جلسات دوستانه تا رسیدن به نتیجه‌ای مشخص ادامه پیدا می‌کند. در نهایت، در صورتی که متداعیین در هر زمانی درباره خاتمه دادن جزئی یا کلی به موضوع اختلاف با یکدیگر به توافق رسیدند، با کمک مدیر جلسه کتباً آن را قطعی خواهند کرد و چنانچه با یکدیگر به توافق نرسیدند، با اخذ گواهینامه عدم امکان حل و فصل دوستانه اختلاف، راهی محاکم رسمی با تشریفات طولانی می‌شوند.

نتیجه‌گیری

آنچه با توجه به متن مقاله، در رابطه با موضوع نقش دادگاه‌ها در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف به دست می‌آید، بدین صورت است که توجهی ویژه از سوی نظام‌های حقوقی کامن‌لا، رومی - ژرمنی و اسلامی به این مسئله شده است. به تبع همین توجه، در نظام‌های قضایی وابسته به کامن‌لا و رومی - ژرمنی، هنگام طرح یک دعوا در محکمه، آخرین گزینه محکمه برای خاتمه نزاع، رسیدگی رسمی قضایی و نخستین گزینه، ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه دعواست. به همین منظور، لازم است که قاضی پیش از ورود به رسیدگی رسمی، تمام تلاش خود را مصروف ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف کند. از آنجاکه شیوه‌های حل و فصل دوستانه دعوا متفاوت است، قانون‌گذاران نیز به تبع این گوناگونی، گاه قاضی را ملزم به ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل اختلاف از طریق یکی شیوه‌های حل و فصل دوستانه، مانند سازش یا میانجی‌گری می‌کند. در همین راستا، در نظام‌های قضایی اروپایی متبوع هر دو نظام حقوقی کامن‌لا و رومی - ژرمنی، به دنبال مصوبه پارلمان اروپا در سال ۲۰۰۸ کلیه محاکم پیش از ورود به رسیدگی ماهوی، ملزم به حل و فصل دعوا از طریق ترغیب متداعیین به شیوه دوستانه میانجی‌گری هستند. در کنار این مسئله نیز هر دو نظام کامن‌لا و رومی - ژرمنی این اختیار را به قاضی رسیدگی‌کننده داده‌اند که در صورت تمایل بتواند برای حل و فصل دوستانه دعوا، از دیگر شیوه‌های دوستانه، همچون تشریک مساعی و مذاکره استفاده کند. البته این تمایل قاضی صرفاً به صورت ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه دعوا از این طریق است. بنابراین، عامل مهم در کنار ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه مخاصمه از سوی دادگاه، اصولاً منوط به پذیرش این پیشنهاد از سوی طرفین دعواست.

در نظام حقوقی اسلام نیز توجه بسیاری به نقش قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف شده است؛ چراکه به نوعی می‌توان گفت که میان فقهای امامیه این اجماع وجود

دارد که قاضی پیش از ورود به رسیدگی ماهوی و یا صدور حکم، متداعیین را به حل و فصل دعوا از طرق دوستانه دعوت نماید؛ هرچند متداعیین الزامی در پذیرش پیشنهاد او ندارند. به تبع فقه امامیه و با توجه به مواد ۷۵۲ قانون مدنی و ۸۲ و ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری، اگرچه در قانون آیین دادرسی مدنی ایران هیچ‌گونه اشاره‌ای به نقش قاضی در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه دعوا نشده است، این نتیجه به دست می‌آید که در صورت طرح هرگونه دعوا در محاکم دادگستری، نخستین تلاش قاضی برای خاتمه دادن به دعوا باید به صورت ترغیب متداعیین به حل و فصل دوستانه دعوا باشد و تنها در صورتی که حل و فصل دوستانه دعوا حاصل نشد، آنگاه به سراغ رسیدگی رسمی برود. باین حال، لازم است که به قانون‌گذار ایرانی پیشنهاد گردد که با آوردن موادی مصرح در قانون آیین دادرسی مدنی یا دست‌کم تنظیم مصوبه از سوی قوه قضائیه، راجع به نقش قضات در ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل دوستانه اختلاف و نحوه برگزاری جلسات دوستانه و اصول حاکم بر آن‌ها، آن‌گونه که در متن مقاله آمد، تصمیم‌گیری کند.

منابع

الف. کتب و مقالات

الف-۱. فارسی

قرآن کریم.

حسینی، سیدمحمد. «نقش میانجی‌گری در فصل دعاوی و پاسخ‌دهی به نقض هنجارها»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره صفر (۱۳۷۸).

درویشی هویدا، یوسف. شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳.

شیروی، عبدالحسین. داوری تجاری بین‌المللی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸.

کوشه، ژرارد. آیین دادرسی مدنی فرانسه. ترجمه سیداحمدعلی هاشمی، تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱.

هادی، سولماز و مرتضی حاجی‌پور. «بررسی شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف از منظر حقوق ایران و فقه امامیه»، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۱ (۱۳۹۵).

الف-۲. عربی

الانصاری، مرتضی. القضاء و الشهادات. قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.

تویسرکانی، محمدنبی بن احمد. لئالی الاخبار. کتابخانه دیجیتال شبکه الفکر.

الحسینی العاملی، محمدبن الحسن. مواظظ العددیه. قم: طلیعه النور، ۱۳۸۴.

حلبی، ابوالصلاح. الکافی فی الفقه. کتابخانه دیجیتال نور.

الحلی، ابن ادریس. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. جلد ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

الحلی، المحقق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: النشر دارالمهدی، ۱۴۰۳ ق.

طوسی، محمد بن حسن. المبسوط فی فقه الامامیه. جلد ۷ و ۸، قم: المکتبه المرتضویه، ۱۴۱۰ ق.

العاملی الجبعی، الشهید زین‌الدین بن علی. مسالک الافهام الی تفتیح الاسلامی. قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

النجفی، شیخ محمدحسن. جواهر الکلام فی شرح الاسلام. جلد ۴۰، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۹۵.

الف-۳. لاتین

C. Dragas, Dacian. *Alternative Dispute Resolution in European Administrative law*. First print, Romania: Cluj Napoca, 2014.

- Ferron, Solange. *Les Modes Amiables de Reglement des Diffrends*. XV Conference des Juristice de Letat, Vol. 22. 2012.
- Fiadjoe, Albert. *Alternative Dispute Resolution*. First published, London: Cavendish publishing, 2004.
- H. Weiner, Merger. *A Parent-partner Status for American Family law*. First print, New York: Cambridge University Press, 2015.
- Kohut, Nester C. *Therapeutic Family Law*. Secend Edition, Chicago: Family Law Publication, 1968.
- Morgan, Karen. *Conciliation Courts*. First Print, USA: Winconcin legislative staff, 1978.
- Noaks, J & Noaks, L. *School Based Peer Mediation as a Strategy for Social Inclusion*. Second print, France: Pastoral Care in Education, 2009.
- P.Cox, Richard, E.Miller, Mary. *Simple Justice: An Investigative Study of Conciliation Courts*. www. Googlebooks, 2004.
- Rivier, Marie, Claire. *Les Modes Alfernatifs de Reglement des Conflits*. University Jean Monnet-Saint- Etienne, 2001.
- Rodop. B.V. *Conciliation- Compulsion – Conversion*. First Print, Netherland: Amesterdam Institution..
- Sime, Stuart. *A Practical Approach to Civil Procedure*. Twenth Edition: Oxford University, 2016.
- Societe Davocate. *Les Modes Alternatifs de Reglement des Conflits*. Lexavoue 32, 2013.
- Sourdin, Tania. *Alternative Dispute Resolution & the Courts*. First Edition, the Federation Press, 2004.
- Van Rhee, CH. *European Traditions in Civi Procedure*. First print, London: Intersentia, 2006.
- Wardle, Iyan Dennis, C. Nolan, Laurence. *Family Law in the USA*. First Print, Britain: Wolters Kluwer, 2009.
- Yahnstan, Peter. *Negotiating with Giants*. First print, United States: Penguin Books, 2008.

ب) وبسایتها

- www.cairn.info/ Les Mediation/ Pierre gallery, 2018.
- www.cedr.com/ Dispute Resolution, 2010.
- www.dispute-resolution.uk.com/ Practical Dspute Resolution Servises, 2010.
- www.lingue.fr/ La Negociation_La Mediation_ La Conciliation, 2018

www.localcourt.justice.nsw.gov.au/ Amiable Dispute Resolution.

www.lorman.com/ In the Legal Section/ Social Security Basic & Advanced
Planniing Straregies.

www.mediate.com/ Mediation in Family Cases.

www.osbar.org/ Alternative Dispute Resolution.

www.wikipedia.com/ Settlement Conference, 2015.

www.wipo.int/ Alternative Dispute Resolution.